

(1) عرضه داشت

بنده کترین دولتخواه حسین

(2) بعد از مراسم عبودیت بندگانه و رعایه وظایف خدمات صادقانه معروض خدام حضرت سلطنت (3) پناهی ظل الهی ثمره شجره پادشاهی وارث تخت سلیمانی حارث بخت سلطانی¹ خالد الله ظلّه و سلطانه¹ (4) میکرداند که قبل ازین جناب امارت‌مابی سعادت اکتسابی عماد الدوله و الدین محمودیات معتمد مصطفی را (5) باین بنده ارسال داشته و نوشته خود ابلاغ فرموده بودند و از جناب اخوی‌مابی استعذار ما مضمی (6) نموده چون اخوی‌مابی معلوم دارد که در میان این دو خاندان قدیم و دودمان کریم ابا عنجد الی یومنا هذّه (7) قواعد اتحاد و یکانکی مستحکم بوده در استعذار اقدام نموده معتمد خود را با عرضه داشت (8) پپای سریر اعلی روانه گردانید و بجان در حصول محبت و مودت و یکانکی بین الجانبین کوشش نمود که (9) در اثناء ان صورت واقعه جناب امارت‌مابی محال اوغلی واقع امد واقعا چون این معنی با وجود آن معنی (10) بدیع نمود فرستاده خود را بدان سبب منع نمود و الا در باره حصول محبت و مودت بر نهج سابق (11) کوشش باعلی درجه دارد و چون بندکان حضرت خلافت‌پناهی سلطانی تاغایت در رفاهیه و جمعیه خلائق (12) و کافه ناس ساعی بوده اند بهرچه صلاح دانند حاکمند دولت سرمد مخلد باد

(13) ¹ بمحمد و آلّه الامجاد²

¹ Hervorgehoben am Anfang des Dokumentes, oberhalb der 1. Zeile des Textes geschrieben. ² Als 13. Zeile numeriert; bildet jedoch eine selbständige Einheit in der unteren rechten Ecke des Dokumentes.